

به نام خدا

دیپلماسی و حقوق بین المللی در روابط جهانی شده

ترجمه و تحقیق:

محمد محسنی نسب

مهدی هادی بابازیدی

پژوهشگر دکتری حقوق بین الملل

انتشارات گیوا

سرشناسه :	بولوسکی، ویلفرید
	Bolewski, Wilfried
عنوان و نام پدیدآور :	دیپلماسی و حقوق بین‌المللی در روابط جهانی‌شده/ ویلفرید بولوسکی] : ترجمه و تحقیق محمد محسنی‌نسب، مهدی هادی بابازیدی.
مشخصات نشر :	تهران: گیوا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری :	۱۶۶ ص.
شابک :	978-600-451-154-4
وضعیت فهرست‌نویسی :	فیا
یادداشت :	عنوان اصلی: Diplomacy and international law in globalized relations , 2007.
موضوع :	دیپلماسی
شناسه افزوده :	محسنی‌نسب، محمد، ۱۳۶۲ - مترجم و محقق
شناسه افزوده :	هادی بابازیدی، مهدی، ۱۳۶۵ - مترجم و محقق
رده‌بندی کنگره :	۵JZ۱۳۰۵۹۱۳۹۶/ب۹۵۹
رده‌بندی دیویی :	۲/۳۲۷
شماره ثبت کتابخانه ملی :	۴۶۹۴۷۵۲

عنوان کتاب :	دیپلماسی و حقوق بین‌المللی در روابط جهانی‌شده
ترجمه و تحقیق :	محمد محسنی‌نسب، مهدی هادی بابازیدی
ناشر :	انتشارات گیوا
ناظر فنی :	محبوبه حسینی
صفحه‌آرا و طراح جلد :	آدینه کبرایی
سال و نوبت چاپ :	۱۳۹۶ / اول
شمارگان :	۱۰۰۰
شابک :	۹۷۸-۶۰۰-۴۵۱-۱۵۴-۴
قیمت :	۷۰,۰۰۰ ریال
تلفن :	۰۲۱-۶۶۱۲۳۸۸۰
تارنما :	www.givabook.ir

فهرست مطالب:

۷	پیش گفتار
۹	مقدمه:

فصل اول:

ضرورت‌های دیپلماسی جدید

۳۴	بخش اول:
۳۴	دیپلماسی یا ارتباطی سیاست ورزی و علوم اجتماعی
۳۶	بخش دوم:
۳۶	بین المللی کردن دیپلماسی یا بین المللی کردن سیاست‌های داخلی
۴۱	بخش سوم:
۴۱	از سرویس خارجی ملل اروپا
۴۵	بخش چهارم:
۴۵	نمادگرایی و تشریفات در دیپلماسی
۵۰	بخش پنجم:
۵۰	انعطاف پذیری و عمل گرایی پاسخی به چالش‌های جهانی
۵۷	بخش ششم:
۵۷	مقابله به مثل در برابر وحدت گرایی اشتراکی (کاونتا نیسم)

فصل دوم:

دگرگونی روابط جهانی شده و تأثیر آن بر دیپلماسی

۶۵	بخش هفتم:
۶۵	دیپلماسی مشارکتی و شرکای جدید: همزیستی دیپلماسی و شرکت‌های چند ملی
۸۲	بخش هشتم:
۸۲	دیپلمات‌های شهروند و دیپلماسی روابط عمومی: عمومیت بخشی به دیپلماسی

فصل سوم:

به سوی یک هویت مشارکتی و دیپلماتیک

۸۹	بخش نهم:
۸۹	اهمیت یک فرهنگ دیپلماتیک بین المللی
۹۳	بخش دهم:
۹۳	ارتباط زبانی

فصل چهارم: روابط جهانی شده و قانون

بخش یازدهم:	۹۹
اراده یا اقتدار خصوصی در روابط چند ملیتی	۹۹
بخش دوازدهم:	۱۰۳
رژیم چند ملیتی به عنوان یک قانون نانوشته (soft law)	۱۰۳
بخش سیزدهم:	۱۱۰
بازنگری قضایی در دیپلماسی حکومتی	۱۱۰
۱) اقدامات دولتی به عنوان یک اصل عملی در اتحادیه پادشاهی انگلستان	۱۱۴
۲) اصل عملی به عنوان سیاسی در ایالات متحده آمریکا	۱۲۲
۳) اقدام حکومتی در قانون فرانسه	۱۳۲
۴) مرور قضایی امور خارجه در آلمان	۱۳۸
III) دادگاه‌های بومی و ربط بین‌المللی	۱۴۷
نتیجه‌گیری و ترسیم چشم‌انداز:	۱۵۷
دیپلماسی به عنوان ابزاری برای روابط جهانی شده	۱۵۷

پیش گفتار

واژه دیپلماسی به معنی هدایت روابط بین افراد "گروه‌ها و ملت‌ها از جمله واژه‌های سیاسی مورد استفاده در عرصه مناسبات بین المللی است.

دیپلماسی (Diplomacy) در کاربرد رسمی خود عمدتاً به دیپلماسی بین المللی که هدایت روابط بین المللی از طریق دیدار و گفت‌گوهای دیپلمات‌های رسمی است اشاره دارد.

در گذشته دیپلماسی بین کشورها بیشتر به موضوعاتی همچون روابط شخصی و خانوادگی پادشاهان دو کشور یا یکدیگر یا مسیله جنگ و صلح مربوط می‌شد اما در شرایط کنونی جهان علاوه بر آنها موضوعی همچون روابط تجاری "مناسبات فرهنگی و علمی نیز در محور مباحثات دیپلمات بین کشورهای مختلف با یکدیگر و بین آنها با سازمانهای بین المللی قرار گرفته است.

دیپلماسی در واقع مجری سیاست خارجی در چارچوب دکترین سیاست خارجی هر کشور است. دکترین سیاست خارجی یک کشور را مأمولاً یک بیان کلی از سیاست خارجی آن محسوب می‌شود توسط رئیس حکومت یا وزیر امور خارج اعلام می‌شود.

اهداف دکترین سیاست خارجی هر کشور از اصول کلی برای هدایت سیاست خارجی و انجام دیپلماسی است. این اصول به رهبری سیاسی یک کشور اجازه می‌دهد تا با وضعیت‌های مختلف پیش آمده بطور مناسب برخورد نماید و رفتار کشور در برابر سایر کشورها را توضیح دهد.

اجرای دیپلماسی بر عهده گروهی که "هیأت دیپلمات" نامیده می‌شود قرار دارد. این گروه نماینده رسمی کشور فرستنده آنها نزد کشور پذیرنده و میزبان تلقی می‌شود. هیأت دیپلماتیک یک کشور نزد کشور دیگر تمامی فعالیت‌های خود را که برای تقویت روابط دوستانه بین دو کشور و نیز توسعه مناسبات سیاسی "اقتصادی" فرهنگی و علمی بین آنها انجام می‌دهد به دولت متبوع خود گزارش می‌کند. ریاست هیأت دیپلماتیک یک کشور در کشور دیگر نیز بر عهده سفیر یا کنسول است.

یکی از نکات مهم در مناسبات دیپلماتیک بین کشورها با یکدیگر و یا بین آنها با سازمانهای بین المللی به رسمیت شناختن مصونیت دیپلماتیک برای سفیر و سایر اعضاء کادر دیپلماتیک است.

در این چارچوب دولت میزبان به سفیر یا کنسول به عنوان رئیس هیات دیپلماتیک در یک کشور دیگر اجازه می‌دهد تا بخشی از خاک کشور او را که سفارتخانه یا کنسولگری نامیده می‌شود اداره کند. توجه داشته باشیم مصونیت دیپلماتیک یک مصونیت قانونی است که کشورها به منظور تضمین انجام وظایف هیات‌های دیپلماتیک بدون نگرانی از تحت تعقیب قرار گرفتن توسط کشور میزبان به آنها اعطا می‌کنند. اگرچه این نوع مصونیت از سابقه دیرینه ای در حقوق بین الملل برخوردار است اما در سال ۱۹۶۱ با امضای کنوانسیون روابط دیپلماتیک وین بصورت اصول موضوعه حقوق بین الملل درآمده است.

دکتر سیروس نورایی

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی

بهار ۹۶

مقدمه:

دیپلماسی از منظر دست اندرکاران

لورد استرانگ دیپلمات سابق بریتانیا، ۱۹۶۶ می گوید:

در دنیایی که جنگ یک تراژدی و کابوس همگانی است، دیپلماسی وظیفه هر فردی خواهد بود. در قرن بیستم دیپلماسی از یک روش مسالمت آمیز در روابط داخلی تغییر پیدا کرد و به یک ابزار عمومی در ارتباط میان جوامع جهانی شده گسترش یافت. دیپلماسی در ابتدا فقط توسط دیپلمات‌های حرفه‌ای و به عنوان یک انحصار حکومتی انجام می‌شد. اما امروزه به خاطر افزایش تعداد عوامل در روابط بین‌المللی (دولت‌ها، سازمانهای بی‌المللی، سازمانهای غیردولتی، شرکت‌های بین‌المللی، رسانه‌ها، دانشگاه‌ها و غیره) دیپلماسی در حال خارج شدن از تمرکز سنتی خود می‌باشد و انحصار آن در دست دیپلمات‌های حرفه‌ای در حال محو شدن است.

با این همه، تجارب عملی دیپلمات‌ها در طول زندگی‌شان و اصول حرفه‌ای آنها به همراه نوشته‌های آموزشی نظریه پردازان این رشته در کشور ما، به هسته اصلی این هنر و مهارت‌های آن حرف اول را می‌زند.

اگرچه نظریه‌ها و تجارب دیپلماتیک بر پایه بینشی از همه علوم سیاسی، اجتماعی و انسانی (مانند حقوق، سیاست و اقتصاد، فرهنگ، فلسفه، زبان‌شناسی و هنر) بنا شده است اما هنوز به طور کامل با هیچ کدام تطابق ندارد. علی‌رغم ماهیت چند رشته‌ای دیپلمات‌ها، این رشته به مدت زیادی در مطالعات دانشگاهی و حتی در علوم اجتماعی روابط بین‌المللی دیده گرفته می‌شد. در هیچ جای عالم سیاست بین نظر و عمل رخنه‌ای بزرگ از آنچه در سیاست ورزش دیپلماتیک وجود دارد یافت نمی‌شود.

تنها در طول ۱۰ سال گذشته بود که دانشگاه‌ها، دیپلماسی را به عنوان موضوع پژوهش‌های چند رشته‌ای پذیرفتند و مراکز تخصصی پژوهش در اروپا، آمریکا و اخیراً در استرالیا مطالعات دانشگاهی در مورد دیپلماسی را به عهده گرفتند. دانشگاه‌های سراسر جهان برنامه درسی خود را برای این رشته جدید گشوده‌اند و در پی آن رستاخیزی از علاقه مندی به دیپلماسی آغاز شده است.

دلایل بی توجهی سابق به دیپلماسی می‌تواند ناشی از فقدان تجارب آکادمیک خارجی و ضعف دیدگاه‌های تحلیلی و چند رشته‌ای در میان دست‌اندرکاران دیپلماسی باشد. این کتاب تلاشی است برای ترکیب تجارب بدست آمده از مناصب حرفه‌ای دیپلماتیک در طول ۹ دوره سفارت در پنج قاره دنیا؛ در کنار یافته‌های یک سمینار پژوهشی چند رشته‌ای به نام «تجربه دیپلماتیک» که توسط دانشگاه دولتی برلین با همکاری دفتر ارتباط با بنیادها و دانشگاه‌های وزارت خارجه آلمان ترتیب داده شد. انتخاب عناوین فصول در این کتاب بر پایه اهمیت ذاتی آنها در دیپلماسی عملی و طبق تجارب نویسنده، به عنوان یک دیپلمات ارشد بوده است. در فصول مربوط به پروتکل‌ها نیز انتخاب عناوین سازماندهی و شرکت در ملاقات‌هایی در بالاترین سطح روسای جمهور، فرمانداران ایالتی و وزرای خارجه اختصاص یافته است. بنابراین منظور این کتاب ارائه‌ی یک برنامه‌ی جامعه از یک شیوه نامه کامل دیپلماسی نیست بلکه می‌تواند یک مکمل اجرایی در نظر گرفته شود.

عناوینی که در این کتاب انتخاب شده و مورد بحث قرار گرفته است باید به عنوان راهبردهای عمومی به کار روند تا فهم اصول ساختارها و پیشرفت‌ها در دیپلماسی امروز را تسهیل نماید. روی هم رفته با ترکیب رهیافت‌های تجربی و نظری، تعاریف و استدلال‌های ابتکاری جدیدی برای ساختارهای آزمون پس داده و زمینه‌ها و دورنمای آینده معرفی شده است. این مطالعه قصد دارد یک نمای ملموس واقعی از بخش‌های کاربردی دست‌اندرکاران تا مباحث نظری رایج در انگلستان، فرانسه و آلمان ارائه دهد که توسط نظریه پردازان و دانشمندان در مورد روش‌ها و مسائل دیپلماسی معاصر ارائه شده است (اعم از دانشمندان علوم سیاسی، متخصصان حقوق یا تاریخ دانان).

دیپلمات‌های حرفه‌ای وقت کمی برای مطالعه گسترده کارهای آکادمیک دارند و بیشتر نظریه پردازان نیز تصور نادرستی از کار حقیقی انجام شده توسط دیپلمات‌ها در برپایی ریزی‌های زندگی واقعی و پیچیدگی شتابنده آن دارند. یکی از پیامدهای بلافصل این امر آن است که مفاهیم برجسته‌ای که توسط تحلیل‌گران نظری موشکاف ارائه می‌گردد، به ویژه آنهایی که در ارتباط نزدیک با دیپلماسی روزمره هستند به دست مخاطب دست‌اندرکار نمی‌رسند. این در حالی است که آنها باید تجارب خود را با مباحث نظری مربوط سازند و درس‌های پیشنهاد شده را برای تقویت مهارت‌های خود به کار گیرند. محتوای این مطالعه بر تغییر نقش دیپلماسی به خاطر افزایش تعداد شرکای جهانی شده تمرکز دارد. در نتیجه این مطالعه می‌تواند رخنه موجود میان دانشگاه و

سیاست را پر کرده و توجه و پژوهش بیشتری را به دیپلماسی به عنوان یک رشته مطالعاتی دانشگاهی تحریک نماید.

دیپلماسی باید موضوع مطالعات چند رشته ای و بین المللی واقع شود تا بتواند از عهده مسائل جدید و مأموریت‌های پیش بینی ناپذیر برآید و از فصل مشترک میان دیپلماسی و علوم اجتماعی متعهد بهره گیری نماید. تأثیر علم بر دیپلماسی به عنوان یک واقعیت اجتماعی در دوران ما هنوز هم باید مورد کاوش قرار گیرد.

مشکلات جدید تأثیرگذر بر دیپلماسی متنوع هستند: تروریسم بین المللی، تعارض‌های قومی و مذهبی، تحولات عمیق اقتصادی و اجتماعی، مهاجرت‌های غیرقانونی، بلایای زیست محیطی یا طبیعی، سترط - کومت‌ها و جرائم بین لمللی و رسوایی‌ها تنها بخش کوچکی از این موارد هستند. امروزه نظام سیاسی حکمت داری به خاطر افزایش تماس‌های بین المللی و نیز ضرب الاجل‌ها و پیچیدگی‌های حل مشکلات، با چالش‌های فراوانی دست به گریبان است. چارچوب کاری برای فعالیت‌های حکومتی در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در حال تغییر است. حکومت به عنوان یک نهاد رسمی هنوز هم می‌تواند نیروهای قابل توجهی را برای وحدت جامعه و حل مشکلات اجتماعی ایجاد نماید یا فل ... اما به نظر می‌رسد مزایای ذاتی آن در انحصار اطلاعات و تصمیم‌گیری در حال رنگ باختن است.

با تغییر انتظارات از حکومت، نقش‌های برجسته‌ی حکمت داری در حال تغییر است. حتی برخی معتقدند که این امر یک نوع تنزل در نقش حکومت است اما این دسته از منتقدین این حقیقت را نادیده می‌گیرند که شرکت‌های چند ملیتی و شکل‌های جدید ماهنگی‌های سیاسی الگوها و محیط‌های جدیدی از فعالیت و تأثیرگذاری را ایجاد کرده است که به صورت بالقوه می‌تواند در بازتولید صلاحیت‌های حکومتی نقش داشته باشند. حکومت‌ها می‌توانند از طریق همکاری مشارکتی با نیروهای غیر دولتی، قوی تر شوند. لازمه این امر آن است که حکومت‌ها فهم خود را از فرمان برداری نیروهای اجتماعی به همکاری با آن تغییر دهند تا بتواند فرآیندهای حمایتی و حتی آغازگرانه را برای سازمانهای مدنی تسهیل نمایند. دیگر نمی‌توان حکومت‌ها و دولت‌های ملی را یگانه مرکز تمرکز قدرت سیاسی مؤثر در نظر گرفت این قدرت هم اکنون به وسیله نیروهای گوناگونی در سطح ملی، بین المللی و منطقه ای تقسیم شده است که شامل نهادها، آژانس‌ها و حتی افراد حکومتی، سازمانهای اجتماعی مدنی و شرکت‌ها چند ملیتی است. این نیروها محیط

هایی را فراهم می‌کنند که در آنها مذاکرات پارلمانی، مذاکرات کنسولی و تشکیلات تصمیم‌سازی سیاسی شکل می‌گیرند. این امر لایه‌های وسیعی از حکومت‌داری سیاسی منطقه‌ای و جهانی را در بر می‌گیرد. لذا سیاست جهانی و حکومت‌داری چند لایه در حال به چالش کشیدن تأثیرگذاری نهادها و قواعد مرسوم دموکراتیک ملی هستند. باید یک تعریف جدید از دموکراسی مشارکتی ارائه گردد که قانونی شدن فعالیت‌های سیاسی مؤسسات خود گردان را تصدیق نماید و به طور مشروط اجازه دهد تا همه سهامداران جامعه در کنار دولت‌های ملی به فرآیندهای سیاسی دسترسی داشته باشند.

دموکراسی باید به نمادی از برهم کنش‌های چندگانه در شبکه‌های جمعی و ساخت‌های تصمیم‌گیری تبدیل شود.

شکی نیست که باید همکاری‌های بین‌المللی از وضعیت سنتی خود به عنوان «امور خارجه» به سیاست‌سازی کاربردی برای جلب مباحث ملی و داخلی (اگرچه همه آنها) تغییر یابد. لذا نظام حکومت‌داری باید تصحیح شود. سرگرمی‌های غیردولتی در جامعه وارد خدمات دهی و انجام اموری شوند که ذاتاً به دولت تعلق دارد (مانند به مواد غذایی، آب، خانه‌سازی، تأمین انرژی، سلامت، آموزش، حمل و نقل، امنیت) این سؤال جدی، پیش می‌آید که کارکردهای واقعی دولت مدرن چیست و چه مسئول‌های ذاتی وجود دارند که نمی‌توان آن را به صورت برون‌سپاری (پیمان‌کاری)، اعطای نمایندگی یا خصوصی‌سازی توسط دولت انجام رساند؟

یکی از پایه‌های انحصاری دولت در جامعه استفاده از زور است که باید به صورت یک تعریف حداقلی از حکومت به عنوان ضامن سعادت جامعه، تضمینی از امنیت داخلی و خارجی، برقراری نظم و قانون و آزادی شهروندان در نظر گرفته شود.

وظیفه اصلی و دغدغه هر وزارت خارجه ای ترتیب دادن یک سیاست خارجه منسجم از طریق دیپلماسی است. سیاست و دیپلماسی هنوز توانایی خود را در سازماندهی فعالانه تصمیمات ضروری برای جامعه از دست نداده‌اند اما این دو باید ظرفیت فنی خود را در حکومت‌داری اصلاح کنند تا در نتیجه آن مشروعیت خود را برای حل مشکلات جامعه از طریق ابزارها و روش‌های جدید تثبیت نمایند. لذا سیاست و دیپلماسی هر چه بیشتر به سمت یک «نظام یادگیرنده» حرکت می‌کنند که نه تنها تصمیم‌گیری می‌نماید بلکه بر پایه صلاحیت خود بر روند تصمیم‌سازی خود کنترل و بازنگری دارند.

«حکومت داری خوب» به گستره وسیعی از رهنمودهای شایسته بستگی دارد که به درون فرآیندهای اداره حکومت تزریق می‌شوند تا تصمیم‌سازان، کلیدی را در رسیدن به کیفیت تصمیم‌ها و سیاست‌های اتخاذ شده یاری کنند و داده‌هایی تولید کنند که به طور گسترده ای کارآمد، یکنواخت، قابل پذیرش و به صرفه باشند. توصیه‌های سیاسی تنها می‌توانند در پی بردن به اینکه یک مسئله چقدر جدی است و روشن کردن تبعات آن مسئله راهگشا باشند، به شکلی که مؤلفه‌های اقدام حکومت را تنظیم نمایند. با فرمول بندی واکنش‌های حکومتی نسبت به یک مشکل، حکومت در مواجهه خود با جریان پیوسته ای از دیدها و مفاهیم جدید می‌تواند از یک نگاه نقادانه و فنی در تعیین مهم‌ترین جایگزین‌ها و ارزیابی مزایا و معایب آنها بهره مند گردد. تقاضای رو به رشدی برای توسعه‌های تخصصی در زمینه حکومت داری وجود دارد، چرا که به نظر می‌رسد این امر کمتر جری و بیشتر انتزاعی است. همچنین به خاطر رشد پیچیدگی حکومت داری لازم است شکل‌های ویژه ای از تخصص ایجاد شوند که به صورت معمول در بروکراسی اداری وجود ندارند. از سوی دیگر ارائه چنین تئیه‌هایی با رشد دانشگاه‌ها و گروه‌های جامعه مدنی و تخصصی شدن و تلاش آنها برای دست یابی به منابع جدید، اثربخشی و ارائه رهنمودهای جدید در حال رشد است. دیپلماسی می‌تواند و باید از توان دانشگاه‌ها در زمینه تخصصی شدن ارزش‌های اخلاق سیاسی و ارزیابی تبعات آن برای یادگیری استفاده کند. حکومت داری برای آنکه بتواند از عهده اداره مشکلات ضروری و پیچیده امروزی برآید نیازمند جریان پیوسته ای از ایده‌ها و مفاهیم جدید است. حکومت داری عمومی در حال حاضر به شدت به درون داده‌هایی که دانشمندان علوم اجتماعی تهیه می‌کنند متکی است. دانش مدرن می‌تواند از ارزش‌های اخلاق سیاسی محافظت نماید. ماهیت بین‌المللی دیپلماسی مثال روشنی از رنگ باختن مرزهای ملی است. برای یافتن راه‌حل‌های عملی برون رفت از مشکلات ساختاری و ذاتی، از شتاب جهانی شدن، دیپلماسی به رهنمودهای چند رشته ای علوم اجتماعی نیاز دارد. لذا علوم انسانی کاربردی، حول محور علوم عمل‌گرایانه شکل می‌گیرد.

ارتباط میان علم و جامعه (به همراه حکومت) به خاطر افزایش فرآیندهای ارتباطی و گفتگوهای باز در حال تغییر است. مقصود طرفین در این ارتباط ایجاد یک جو مفاهیم متقابل و اعتماد دو جانبه است. امروزه مشغله اصلی علم آن است که به عنوان یک مسئولیت اجتماعی و نه فقط یک شیء زینتی در نظر گرفته شود. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های فرهنگی علوم اجتماعی الگوبرداری از آن به

عنوان تمرینی برای دموکراسی است. جامعه برای موفقیت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به دانش نیاز دارد. وظیفه دانش آن است که مسئولیت پذیری و قابلیت اتکاء خود را در یک قرارداد اجتماعی جدید بازتعریف و بیشینه سازی نماید.

مسئولیت پذیری بدنبال نشر دانش به عنوان یک منبع انسانی معنا می‌یابد. متخصصین دیگر به عنوان حاملین صرف دانش مرتبط در نظر گرفته نمی‌شوند بلکه فرض بر آن است که به نوعی در برابر توصیه‌های خود مسئول هستند. امروزه باید دانش با مسئولیت اجتماعی خود مواجه شود و تنها به عنوان یک حرفه است که می‌تواند آن را به صورت داوطلبانه بپذیرد. باید آزادی سنتی در عرصه پژوهش، در کنار تعهد حرفه ای توسط حکومت در یک قالب ریخته شود تا یک شراکت خصوصی - عمومی جدید شکل بگیرد. لذا ساختاری سه وجهی از تعهد بین دولت/ حرفه / دانش پدیدار می‌شود که در نهاد دانشگاه تجلی می‌یابد. دخیل شدن دانش مدرن به این شکل، نمادی از دموکراسی مشارکتی و جامعه مدنی؛ مسئولیت پذیری سیاسی است و می‌تواند ایده‌های خلاقانه و پویایی فراهم آورد و حتی زوئرا از آن به انتظار می‌رود منجر به تغییرات تکنیکی (tectonic) یا جهش‌های دوره ای در جامعه گردد. از دیرباز، راه حل‌هایی در حیات سیاسی برای دستیابی به حکومت داری خوب می‌تواند سودمندی آن، با سال‌ها تجربه جامعه به عنوان یک کل به اثبات برساند. برای دستیابی به این هدف باید دسترسی دانشگاه‌ها به ماهیت واقعی سیاست به طور بنیادی بهبود پیدا کند.

سیاست گذاری خوب در خلاء شکل نمی‌گیرد و باید بر پایه اطلاعات کافی و برآوردهای مناسب انجام شود. حکومت‌ها باید علاوه بر جامعه علمی به دیدگاه‌های سرخس عمده سیاست مانند نهادهای حکومتی خود نیز توجه کنند.

برای پایه ریزی یک مبنای وسیع‌تر در تصمیم سازی، حکومت‌ها با مشکل دیگری مواجه هستند و آن دخالت دادن دانش تخصصی در تصمیم سازی سیاسی خود در کنار گزینه‌ها، هزینه‌ها، الزامات و پیامدها است. حکومت‌ها باید از پتانسیل راهکارهای نظری و چند رشته ای برای حل مشکلات فراملی ناشی از جهای شدن استفاده کنند. این راه حل‌ها که در دانشگاه‌ها و مکاتب فکری تولید می‌شوند نوعی دموکراسی ذهنی را به وجود می‌آورند، به شرط آنکه دیگران برتری سیاسی خود را بر آن تحمیل نکنند و پای انتخاب اجتماعی به میان نیاید. در اینجا یک نیاز آشکار برای دستیابی بین المللی به دانش سیاسی به وجود خواهد آمد.

پیچیدگی و پیش‌بینی ناپذیری حکومت‌داری مدرن، تنوع و پیچیدگی فزاینده شرکا و عمل آنها، سرعت ارتباطات، رشد اندازه اطلاعات در دسترس و افزایش فشار کاری تحمیل شده به دیپلمات‌ها به خاطر این پیشرفت‌ها همگی باعث محدودیت زمان و منابع موجود برای تحلیل سیاسی و فرمول‌بندی آن می‌شوند. هیچ نهاد حکومتی وسایل، نیروی انسانی یا زمان کافی برای بازبینی و تحلیل میان مدت یا بلند مدت، عمیق، گسترده، غیردستوری، مستقل و تجسمی درباره‌ی این لابراتوار بزرگ ایده پردازی را ندارد. این منبع رو به تکامل از دانش را نباید به عنوان یک شاخص الگوی سیاسی در نظر گرفت بلکه باید آن را پیامد اجتناب ناپذیر توسعه سریع و پیچیده امروزی دانست. زیایی و زندگی بخشی دموکراسی از طریق کارکردهای خود تقویت می‌شود زیرا این سازمانهای تولید فکر (ناوهای فکر یا مکتب‌های علمی) یک عنصر مهم تمام عیار از تکثیرگرایی را برای جستجوی تنوع در جامعه مدنی فراهم می‌آورد. این نهادها پژوهش‌ها، تحلیل‌ها و توصیه‌هایی را در مورد جنبه‌های ضروری سیاست ورزی با درجه بالایی از استقلال از حکومت و علائق اجتماعی ارائه می‌دهند. در گذشته دانش‌پژوهان علوم اجتماعی دانشگاهی بیش از آن که با سؤالات عاجل و مرسوم سیاست روز مواجه شوند پژوهش‌هایی را انجام می‌دادند که برپایه مباحث فیلسوفانه و نظری استوار بود.

پژوهش‌های چند رشته‌ای کاربردی با رادیکال‌های ابتکاری، اصل یا جایگزین و گزینه‌هایی که برای مشکلات عمومی بین‌المللی دارند می‌توانند فعل مشترک میان واکنش‌های آکادمیک و اقدامات و اثرات سیاسی را به هم پیوند دهند. ما به طور آشکاری در حال حرکت به سمت یک علمی سازی فزاینده در فرآیندهای تصمیم‌سازی در ابعاد جهانی هستیم.

از منظر درک به موقع و مناسب از جایگاه درست وزارت خارجه چنین مشاوری و توصیه‌هایی که از طریق دانشگاه ارائه می‌شوند نه تنها بسیار با ارزش بلکه در شرایطی برای پیش‌بینی آینده غیرمنتظره و ترسیم شرایط آتی ضروری است. این دیدگاه متری بر این پیش‌فرض استوار است که درهای وزارت خارجه بر روی جامعه مدنی باز است و امکان برقراری گفتگو در یک فرآیند یادگیری سیاسی وجود دارد. تصمیم‌سازی و سیاست ورزی در امور خارجه در آینده احتمالاً بازتر می‌شود تا شرکای خارجی بیشتری را در بر بگیرد. و مباحثات عمومی بیشتری را برانگیزد.

از سوی دیگر این امر مستلزم درک بهتر شرایط توسط جامعه مدنی است که در بر دارنده انتظارات علمی و دانشگاهی، شرایط و فرایندهای کاری برای تصمیم‌گیری سیاسی در زمان محدود، عدم

قطعیت و پیش بینی ناپذیری شرایط در حال تغییر، حوادث آتی و پیشرفت‌های آینده می‌باشد. جامعه علمی باید حساسیت بیشتری را درباره تأثیرات سیاسی و اجتماعی راهکارهای ارائه شده به خرج دهند و از سوی دیگر وزارت خارجه تخصص خود را در امور خارجه از طریق شبکه سازی (networking) به جامعه مدنی انتقال دهد تا با پرورش و پشتیبانی درک جمعی، کارها و مسئولیت‌های خود را به انجام برساند.

به منظور سامان دادن چنین مشارکتی، دفتر امور خارجه آلمان به طور مثال اقدام به ایجاد یک بخش نمایندگی ویژه برای دانشگاه‌ها و بنیادهای علمی با شرح وظایف زیر نموده است.

- اختصاص سهمی از پروژه‌های آکادمیک در رشته دیپلماسی و روابط بی‌المللی
- تطبیق نتایج بدست آمده با سؤالات جهانی مرسوم با یک دید عملگرایانه در وزارت خارجه
- زمینه سازی برای آغاز گفتگوهای ثمربخش با هدف رایزنی‌های سیاسی و اعطای فرصت‌های مطالعاتی به کارکنان

در کنار سایر وظایف محول شده، این نمایندگی وظیفه دارد تا از وزارت خارجه آلمان برای دسته بندی مؤلفه‌های حکومت داری برتر در جهان، کپارچه، به کمک دانشگاه دولتی برلین حمایت کند. این برنامه می‌تواند در راستای نشر و تبادل دانش و ریسکات زیر کمک بگیرد:

- کالج‌های پژوهشی دانشجویان / فارغ التحصیلان
- دیوان ایالتی برلین برای تدوین قانون اساسی و روابط عمومی و ویژه
- مدرسه ضمن خدمت مطالعات دیپلماتیک با همکاری دفتر امور خارجه آلمان و بخش خصوصی برای برقراری یک هم اندیشی واقعی میان پژوهشگران و دست اندرکاران

برنامه فوق که «خوشه تعالی» نامیده می‌شود بخشی از این برنامه تعالی بخش است که دولت فدرال آلمان به همراه دولت‌های ایالتی برای ارتقای دانش و پژوهش در دانشگاه‌های آلمان اجرا می‌کنند. خوشه‌های تعالی برای سازماندهی پژوهش‌های مشهود و رقابتی در عرصه جهانی و ایجاد تسهیلات آموزشی در دانشگاه‌های آلمان و ارتقای گسترش شبکه‌های علمی طرح ریزی شده‌اند. هر یک از ۳۰ شاخه تعالی می‌تواند به طور میانگین ۶/۵ میلیون یورو در سال بودجه دریافت کند.

همه طرفین از این اتحاد سه جانبه سود خواهند برد. با بهره برداری از دانش متخصصان و بینش دیپلمات‌های دست اندرکار می‌توان آموزه‌های آکادمیک را به روز رسانی کرد و کیفیت پژوهش‌های تجربی را ارتقا بخشید. این پیوند واقع بینانه میان علم و عمل مستلزم یک آشنایی اولیه دانشجویان

روابط بین‌الملل در سطح دانشگاه با عناوین دیپلماسی تجربی است. این آشنایی اولیه نه تنها از منظر یک برآورد ذهنی برای دستیابی به جایگاه مناسب دیپلماتیک بلکه برای هر فعالیتی در روابط گستره بین‌المللی لازم است (اعم از اداری، رسمی، غیردولتی، رسانه‌ای، تجارت چند ملیتی، دانشگاهی و ...) دیپلمات‌های با تجربه (بازنشسته یا در حال خدمت) در زمان اقامت می‌توانند زمینه انتقال و تبادل دانش از طریق فعالیت‌های کارگاهی فراهم کنند و به طور واقع‌بینانه‌ای دانشجویان را برای انجام وظایف بین‌المللی گسترده تری ارتقاء دهد.

تبادل‌های دو جنبه دانشگاهی برای فرصت‌های مطالعاتی از یک سو و نهادهای پژوهشی و آژانس‌های دواتی و مکاتب فکری از سوی دیگر می‌تواند پشتیبانی برای هم‌افزایی‌های چندگانه و ظرفیت‌های پتانسیل مانده برای انجام پژوهش‌های مسئله‌محور و رایزنی‌های سیاست‌گذاری عملی فراهم آورد.

مدرسه‌های آموزشی ضمن خدمت در مطالعات دیپلماتیک با همکاری وزارت خارجه باید اقدام به دعوت از دانشگاهیان و دیپلمات‌های حرفه‌ای نمایند تا دانشجویان را در زمینه دیپلماسی به عنوان یک تجربه بین‌المللی آموزش دهند. آنها را برای مواجهه با چالش‌های جهانی که مرزها و نظم‌های سابق و تقسیمات سیاسی مرسوم را در هم می‌شکند آماده سازند.